



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران



فصلنامه حقوق برای بین الملل

Volume 2, Issue 3, 2024

## Adjusting the Approach to the Immunity of Heads of State in the Practice of International Criminal Courts (Case Study: Omar al-Bashir Case)

Saman Abdolahi<sup>1</sup>, Maryam Valizadeh\*<sup>2</sup>

1. Assistant Professor, Department of Law, Naragh Branch, Islamic Azad University, Naragh, Iran.

2. PhD Candidate in Criminal Law and Criminology, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran. (Corresponding Author).

### ARTICLE INFORMATION

**Type of Article:**

**Original Research**

**Pages: 17-31**

**Corresponding Author's Info**

**ORCID:** 0009-0007-6752-7965

**TELL:** +989198292273

**Email:** vlizade.mrym@gmail.com

**Article history:**

**Received:** 29 Jun 2024

**Revised:** 14 Sep 2024

**Accepted:** 15 Sep 2024

**Published online:** 22 Sep 2024

**Keywords:**

Heads of State immunity,  
International Criminal Law,  
International Criminal Court,  
Omar al-Bashir, Grave Breach.

### ABSTRACT

For many years, the prevailing idea was that heads of state were immune from trial and prosecution by the courts of heads of state. Therefore, heads of state were not prosecuted for crimes they committed, and there are many historical cases in this regard. However, this idea changed with the formation and development of international criminal law. One of these cases is the trial of Omar al-Bashir, which brought many challenges. The findings and conclusions of the article, which are written in a descriptive-analytical manner, indicate that today, gross violations of the Geneva Conventions have been criminalized, and with the establishment of the International Criminal Court, the concept of immunity for heads of state has changed, and if heads of state commit international crimes, they are tried and punished. However, the international custom governing states still poses difficulties in implementing it. The defiance of the South African government despite the order of the International Criminal Court to arrest Omar al-Bashir and the South African High Court indicates the resistance of states against the removal of state immunity. Because there is still support for heads of state beyond the rulers' ideology, and therefore cooperation with the International Criminal Court to prosecute heads of state requires time. One of these cases that was accompanied by great challenges was the trial of Omar al-Bashir, which showed that the sovereignty-oriented ideology still does not have the capacity for this transformation.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2024 The Authors.

**How to Cite This Article:** Abdolahi, S; Valizadeh, M (2025). "Adjusting the Approach to the Immunity of Heads of State in the Practice of International Criminal Courts (Case Study: Omar al-Bashir Case)". *Journal of International Criminal Law*, 3(2): 1-8.



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران

# فصلنامه حقوق جزای بین‌الملل

www.iclj.ir



فصلنامه حقوق جزای بین‌الملل

دوره دوم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۳

## تعدیل رویکرد مصونیت سران دولت‌ها در رویه محاکم کیفری بین‌المللی (مورد مطالعه: پرونده عمر البشیر)

سامان عبدالهی<sup>۱</sup>، مریم ولی زاده<sup>۲\*</sup>

۱. استادیار گروه حقوق، واحد نراق، دانشگاه آزاد اسلامی، نراق، ایران.

۲. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. (نویسنده مسؤل)

### چکیده

سال‌ها این اندیشه حاکم بود که سران دولت‌ها مصون از محاکمه و تعقیب کیفری توسط محاکم سران دولت‌ها هستند؛ لذا، سران دولت‌ها به واسطه جنایات ارتكابی مورد تعقیب قرار نگرفته و موارد تاریخی بسیاری در این مورد وجود دارد. با این حال، این اندیشه با شکل‌گیری و توسعه حقوق کیفری بین‌المللی تحول یافت. یکی از این موارد، محاکمه عمر البشیر است که چالش‌های فراوانی را به همراه داشت. یافته‌ها و نتایج مقاله که به شیوه توصیفی - تحلیلی نگارش یافته، بیانگر آن است که امروزه، نقض‌های فاحش کنوانسیون‌های ژنو جرم‌انگاری شده و با ایجاد دیوان کیفری بین‌المللی، مفهوم مصونیت سران دولت تغییر یافته و در صورتی که سران دولت‌ها مرتکب جرائم بین‌المللی شوند، مورد محاکمه و مجازات قرار می‌گیرند. با این حال، هنوز عرف بین‌المللی حاکم بر دولت‌ها شرایط اجرای آن را با مشکل مواجه نموده است. سرپیچی دولت آفریقای جنوبی با وجود دستور دیوان کیفری بین‌المللی مبنی بر دستگیری عمر البشیر و همچنین، دادگاه عالی آفریقای جنوبی، بیانگر مقاومت دولت‌ها در برابر حذف مصونیت دولت‌ها می‌باشد؛ زیرا هنوز ورای اندیشه حاکمان، حمایت از سران دولت‌ها وجود دارد و لذا، همکاری با دیوان کیفری بین‌المللی برای تعقیب کیفری سران دولت‌ها نیاز به زمان دارد. یکی از این موارد که با چالش فراوان همراه بود، محاکمه عمر البشیر است که نشان داد هنوز اندیشه حاکمیت‌محور ظرفیت این تحول را ندارد.

### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۷-۳۱

اطلاعات نویسنده مسؤل

کد ارکید: ۷۹۶۵-۶۷۵۲-۰۰۷-۰۰۹

تلفن: +۹۸۹۱۹۸۲۹۲۲۷۳

ایمیل: vlzade.mrym@gmail.com

### سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۰۹

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱

### واژگان کلیدی:

مصونیت سران، حقوق کیفری بین‌المللی، دیوان کیفری بین‌المللی، عمر البشیر، نقض فاحش.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

## مقدمه

سراسر تاریخ بیانگر همدستی سران دولت‌ها در تجاوز، نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی است. تاریخ به آسانی نشان خواهد داد که تعاملات دیپلماتیک با همتایان هرگز سران بدخواه دولت‌ها یا دولت‌ها را از رفتارهایی که به جنایات بین‌المللی تبدیل می‌شود، باز نمی‌دارد. در واقع، اغلب اتفاقی می‌افتد که برخی از این سران کشورها دقیقاً به دنبال حمایت معنوی یا مادی (از جمله کمک تسلیحاتی) و اتحادیهایی هستند که آنها را قادر می‌سازد مسیرهای ترسناک انتخابی خود را طی کنند (ابوئه اوسوژی، ۲۰۲۴: ۳). عون شوکت الخساونه، قاضی وقت دیوان بین‌المللی دادگستری، مصونیت را «[به عنوان]... استثنایی از قاعده کلی که انسان از نظر قانونی و اخلاقی مسؤول اعمال خود است» تعریف کرد (زابیلینا، ۲۰۲۳: ۲۳). مصونیت هم در قوانین داخلی دولت‌ها و هم در قوانین بین‌المللی وجود دارد؛ به عنوان مثال، می‌توان به مصونیت دیپلماتیک یا پارلمانی اشاره نمود. همچنین، مصونیت ممکن است در قالب مصونیت اموال دولت‌ها از توقیف توسط یک دادگاه داخلی باشد؛ اما نوع دیگر مصونیت که موضوع این پژوهش می‌باشد، مربوط است به مصونیت سران دولت‌ها از تعقیب کیفری که البته، در طول سال‌ها شاهد تحول این قاعده هستیم.

این استدلال که هنجار آمراهی که جنایات بین‌المللی را منع می‌کند، بر مصونیت‌ها غلبه می‌کند یا باید دائماً اصلاح شود یا یک رویارویی بیش از حد دراماتیک ایجاد می‌کند. این ایده که مصونیت‌ها حقوق بشر را نقض می‌کنند، به عنوان ایده‌ای که به قلب حقوق بشر نزدیک‌تر است، مورد توجه قرار می‌گیرد (مگرت، ۲۰۲۳: ۶۶).<sup>۴</sup>

واقعیت آن است که مصونیت از مسؤولیت کیفری سران دولت‌ها و مقامات ارشد دولتی (مانند وزیر امور خارجه) در حقوق بین‌الملل عرفی تعیین شده است، نه معاهدات یا کنوانسیون‌ها. استثناء کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد مأموریت‌های ویژه ۱۹۶۹ است که در ماده ۲۱ اشاره می‌کند

که سران کشورها از «امتیازات و مصونیت‌هایی برخوردارند که طبق قوانین بین‌المللی به سران کشورها در سفر رسمی اعطا می‌شود»، اما توضیح بیشتری ارائه نمی‌دهد و در نتیجه، ماهیت و دامنه دقیق مصونیت‌ها مبهم است. در پرونده مربوط به حکم بازداشت ۱۱ آوریل ۲۰۰۰ (جمهوری دموکراتیک کنگو علیه بلژیک) [۲۰۰۲] دیوان بین‌المللی دادگستری اصل مصونیت رئیس دولت و سایر مقامات عالی را مجدداً تأیید کرد. دیوان اظهار داشت: «این امر در حقوق بین‌الملل اثبات شده است که... برخی از اشخاص به واسطه مقام خود، مانند رئیس دولت و وزیر امور خارجه، از مصونیت قضایی در سایر کشورها برخوردارند.» در واقع، دیوان بین‌المللی دادگستری به صراحت اعلام کرده است که سران کشورها از تمام اعمالی که در دوران قدرت خود انجام می‌دهند، از جمله شکنجه، نسل‌کشی و جنایات علیه بشریت مصون هستند. با این حال، این فرآیند با شکل‌گیری دیوان کیفری بین‌المللی تغییر یافت. لذا، قاعده مصونیت در حقوق کیفری بین‌المللی از دو جنبه قابل بررسی است: نخست- مصونیت سران دولت‌ها و دوم- مصونیت اموال دولت‌ها و آنچه که موضوع این تحقیق می‌باشد؛ مورد اول یعنی مصونیت سران دولت‌ها از تعقیب یا محاکمه نزد مقامات قضایی است که ذیلاً، به آن پرداخته و تحولات پیرامون آن را بررسی می‌نماییم.

## ۱- مفهوم مصونیت سران دولت‌ها

اگرچه مسؤولیت کیفری اشخاص سال‌ها طول کشید تا در حقوق کیفری بین‌الملل امروز نهادینه شود، اما مسؤولیت کیفری سران همچنان امری بحث‌برانگیز است. تا پیش از تصویب کنوانسیون‌های ژنو، ضمانت اجرای نقض‌های حقوق بشر در ستانه اقدام متقابل بود؛ اما با تصویب کنوانسیون‌های ژنو، ضمانت اجرای عدم رعایت این قواعد در قالب «نقض‌های فاحش» جرم‌انگاری شد و بنا گردید چنانچه شخصی مرتکب

<sup>5</sup>- UN Convention on Special Missions of 1969

<sup>6</sup>- Case Concerning the Arrest Warrant of 11 April 2000 (Democratic Republic of the Congo v. Belgium) [2002] ICJ

<sup>1</sup>- Eboe-Osuji

<sup>2</sup>- Awn Shawkat Al-Khasawneh

<sup>3</sup>- Zabyelina

<sup>4</sup>- Mégret

و دولت‌ها استوار است. بنابراین، دولت‌ها منافع قابل توجهی در حفظ این اصل در امور بین‌الملل دارند.

توجیه اصلی چنین مصونیت‌هایی این است که این مصونیت‌ها از اجرای روان روابط بین‌الملل اطمینان حاصل می‌کنند و به این ترتیب، به مقامات دولتی که نماینده دولت در سطح بین‌المللی هستند، اعطا می‌شود. روابط بین‌الملل و همکاری بین‌المللی بین دولت‌ها نیازمند فرآیند مؤثر ارتباط بین دولت‌ها است (آکنده و شاه، ۲۰۱۱: ۸۱۸).<sup>۳</sup>

تا پیش از تصویب دیوان کیفری بین‌المللی، به واسطه وجود قاعده «مصونیت سران» مطابق قواعد عرفی بین‌المللی، امکان اینکه سران یک دولت به عنوان مجرم در دادگاه‌های ملی محاکمه شوند، وجود نداشت؛ اما تلاش برای تشکیل یک محکمه بین‌المللی کیفری قبل از تدوین کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ نیز شکل گرفته بود. ایده تشکیل یک محکمه کیفری بین‌المللی بعد از جنگ جهانی اول از جانب اشخاص و نهاد های مختلف از جمله «انجمن بین‌المللی حقوق جزا» طرح گردید. این طرح در آن زمان مورد استقبال قرار نگرفت. در پایان جنگ جهانی دوم، کشورهای فاتح جنگ (متفقین) اقدام به تأسیس محاکم اختصاصی نورنبرگ و توکیو نمودند. اساسنامه و آراء صادره از دادگاه‌های ایجاد شده بعد از جنگ جهانی دوم، یعنی نورنبرگ و توکیو و همچنین، دادگاه‌هایی که توسط شورای امنیت ایجاد شده، یعنی دادگاه کیفری برای یوگسلاوی سابق و همچنین، دادگاه کیفری برای رواندا و در نهایت، دیوان کیفری بین‌المللی متضمن عدم مصونیت سران دولت‌ها می‌باشد. در سال ۱۹۴۵، دادگاه نورنبرگ برای محاکمه جنایتکاران نازی تشکیل شد که صلاحیت رسیدگی به سه جرم جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت و جنایت علیه صلح را داشت. بعد از تشکیل دادگاه نورنبرگ، دادگاه توکیو برای محاکمه افسران ژاپنی در جنگ جهانی دوم تشکیل شد و صلاحیت دادگاه توکیو شامل: جرائم علیه صلح، قتل عمد و جرائم جنگی، معاهداتی و جرائم علیه بشریت بود.

احکام دادگاه توکیو در مقایسه با محکمه نورنبرگ عادلانه‌تر بود و همچنین، از اصول شناخته شده کیفری، اصل مسؤولیت

نقض فاحش شود، در یک محکمه کیفری بین‌المللی محاکمه شود.

مصونیت یک مفهوم حقوقی است و در واقع، عبارت مختصر شده «مصونیت از صلاحیت» است. صلاحیت بر مصونیت تقدم دارد. اگر صلاحیت وجود نداشته باشد، دلیلی برای بررسی مصونیت از صلاحیت وجود ندارد. بطور کلی، مصونیت به عنوان استثناء یا عدم شمول صلاحیت یک دولت نسبت به یک نهاد، شخص یا اموال یا به عبارتی، مانعی برای اعمال صلاحیت یا محدودیتی بر صلاحیت تعریف شده است. اعمال صلاحیت کیفری شامل اتخاذ اقدامات موقتی حمایتی یا تدابیر اجرایی می‌باشد (کچوئیان، ۱۳۸۸: ۱۴۰).

به عبارت دیگر، مصونیت نفعی است که شخص را بیش از امتیازاتی که به دیگران تعلق می‌گیرد، برخوردار می‌کند و این در واقع، تعریف مزایایی است که در بطن آن، مفهوم مصونیت جای گرفته است (صور اسرافیل، ۱۳۷۹: ۲۷۲). در واقع، مصونیت از تعقیب یک دکتترین حقوق بین‌الملل است که به متهم اجازه می‌دهد تا از تعقیب کیفری برای جرائم کیفری اجتناب کند. مصونیت‌ها دو نوع هستند: اولین مورد، ایمنی عملکردی است. این مصونیتی است که به افرادی اعطا می‌شود که وظایف خاصی را انجام می‌دهند. دوم، مصونیت شخصی است. این مصونیتی است که به برخی از مقامات به دلیل سمتی که دارند و نه در رابطه با عملی که مرتکب شده‌اند، اعطا می‌شود. مصونیت کارکردی از حقوق بین‌الملل عرفی و حقوق معاهدات ناشی می‌شود و برای کسانی که اعمال دولتی انجام می‌دهند (معمولاً، یک مقام خارجی)، مصونیت اعطا می‌کند. هر شخصی که در انجام یک عمل دولتی مرتکب جرمی شود، از تعقیب مصون است. حتی پس از اینکه شخص از انجام اعمال دولتی دست بردارد، چنین است. بنابراین، این نوعی مصونیت است که در اعمالی که به آن وابسته است (اعمال دولت)، محدود می‌شود. مصونیت، اگرچه در مورد اعمال افراد اعمال می‌شود، اما ویژگی یک دولت است و بر احترام متقابل دولت‌ها به برابری حاکمیت‌ها

<sup>3</sup>- Akande & Shah

<sup>1</sup>- Ratione materiae

<sup>2</sup>- Ratione personae

روزنامه‌نگارانش سندی را دیده‌اند که بر اساس آن، برزیل (در نشست گروه ۲۰ ریودوژانیرو در نوامبر) می‌خواهد سران کشورها از مصونیت در برابر تعقیب در دادگاه کیفری بین‌المللی برخوردار شوند. رویترز نشان می‌دهد که این موضع ممکن است مربوط به ولادیمیر پوتین یکی از اعضاء در بریکس (برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی) باشد که دادگاه کیفری بین‌المللی حکم دستگیری او را به اتهام جنایات جنگی صادر کرده است. لازم به ذکر است، در چارچوب تهاجم روسیه به اوکراین، روسیه یکی از طرفین اساسنامه رم نیست؛ معاهده‌ای که بر اساس آن، دادگاه بین‌المللی کیفری تأسیس و سازماندهی شده است. در مقابل، خبری در نوامبر ۲۰۲۳ منتشر شد مبنی بر اینکه مقامات قضایی فرانسه حکم بازداشت بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه، را به منظور محاکمه وی در فرانسه به دلیل جنایات جنگی صادر کرده‌اند. شایان ذکر است، این حکم با تصمیم ۱۳ مارس ۲۰۰۱ از سوی دادگاه فرانسه (بالاترین دادگاه تجدیدنظر کیفری فرانسه) تأیید شد که به نظر می‌رسد تشخیص می‌دهد که یک رئیس دولت خارجی ممکن است در فرانسه محاکمه شود؛ زمانی که اتهام مربوط به جنایات بین‌المللی کلاسیک باشد (آسجو<sup>۳</sup>، ۲۰۲۴: ۲).

## ۲- تحول در ماهیت قاعده محاکمه سران در دادگاه سیرالئون و یوگسلاوی سابق

اگرچه جرم‌انگاری بین‌المللی سال‌ها طول کشید تا نهادینه شود، اما همچنان قاعده مصونیت سران در برابر محاکمه سران دولت‌ها که مرتکب جرائم بین‌المللی شوند، مقاومت نمود. شاید مهمترین مانع برای این تحول را بتوان در شکل‌گیری کنوانسیون‌های ژنو دانست که حقوق بشردوستانه را به سمت حقوق کیفری بین‌المللی سوق داد. در بیشتر دوره مدرن، تعقیب قضایی افراد برای به اصطلاح «جنایات وحشیانه» در انحصار دولت ملی<sup>۴</sup> بود. تشکیل دادگاه‌های جنایات جنگی نورنبرگ و توکیو پس از جنگ، دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا مورد حمایت سازمان ملل

کیفری شخصی پذیرفته شد، اصل مصونیت سران پذیرفته شد، اصل مسؤولیت فرماندهان نظامی پذیرفته شد و اطاعت از امر مافوق در ارتکاب جرائم رافع مسؤولیت نبود. نکته مهم اینکه اصل قانونی بودن جرم و مجازات رعایت نشد، چون آنها به اعمالی محکوم شدند که تا پیش از این در حقوق بین‌الملل جرم‌انگاری نشده بود. دفاعیه نازی‌ها در دادگاه نورنبرگ هم همین بود که ما به جرائمی متهم شدیم که پیش‌تر در عرصه بین‌المللی جرم‌انگاری نشده بود. یکی از اقدامات مهمی که در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی شاهد آن هستیم، نادیده گرفتن مصونیت سران دولت‌ها می‌باشد. بر این مبناء، بند ۱ ماده ۲۷ به مسؤولیت مقامات دولتی در صورت ارتکاب جرائم اشاره می‌نماید و در بند ۲ تأکید می‌نماید که مصونیت‌های اعطایی به مقامات دولتی خواه طبق حقوق بین‌الملل یا حقوق داخلی، مانع اعمال صلاحیت دیوان بر چنین اشخاصی نخواهد گردید (کندی، ۲۰۱۳: ۴).

در حقیقت، تنش میان حمایت از حقوق بشر و حاکمیت دولت در مورد اینکه آیا مقامات دولتی باید در مجامع خارجی در قبال جنایات بین‌المللی ارتكابی در زمان تصدی مسؤولیت شناخته شوند یا خیر، منعکس می‌شود. بر این اساس، سال‌های اخیر شاهد افزایش قابل توجه تلاش‌ها برای پیگرد قانونی برای جنایات بین‌المللی ادعایی در دادگاه‌های ملی کشورهای غیر از کشورهای بوده‌اند که این اعمال در آنها اتفاق افتاده است (آکاند، ۲۰۰۴: ۴۱۶). آنچه که موجب تغییر نگرش در مصونیت سران شد، شدت جنایات ارتكابی است که در قالب نقض فاحش مورد توجه قرار گرفت و این امر منجر به آن شد که این اندیشه تعدیل گردد.

نشاء عدم مصونیت سران دولت‌ها از منظر حقوق بین‌الملل کیفری، ارتكاب آنان به یکی از جرائم مهم بین‌المللی است که دارای ویژگی خطرناک بودن و جدی بودن هستند و در اسناد بین‌المللی به وخیم‌ترین جرائم یاد شده‌اند.

موضع دولت‌ها در این زمینه البته، با مسائل سیاسی تنیده است. در اوایل آوریل ۲۰۲۴، رویترز گزارش داد که

3- Osuji

4- Atrocity crimes

1- Kennedy

2- Akande

اقدامات دادگاه سیرالئون و یوگسلاوی سابق حائز اهمیت است. دادگاه ویژه سیرالئون سومین دادگاه کیفری بین‌المللی مدرن است که توسط سازمان ملل حمایت می‌شود و اولین دادگاهی است که در محل وقوع جنایات واقع شده است. همچنین، رویه قضایی ناشی از این دادگاه کمک زیادی به توسعه حقوق کیفری بین‌المللی کرده است (چرنور جالو، ۲۰۱۴: ۷). شیوه تشکیل این دادگاه ویژه، متفاوت از دادگاه‌های بین‌المللی سابق بود که بر مبنای تصمیم شورای امنیت ایجاد گردیده بودند؛ زیرا بر مبنای درخواست دولت سیرالئون و بر اساس موافقتنامه‌ای بین این دولت و سازمان ملل متحد ایجاد گردید.

ساختار این دادگاه ویژه شامل دادگاهی ترکیبی از دادگاه‌های ملی و بین‌المللی است که اساسنامه آن شامل مقررات حقوق بین‌الملل کیفری، حقوق بشردوستانه بین‌المللی و حقوق داخلی سیرالئون بوده؛ به علاوه، دربردارنده ترکیبی از کارکنان ملی و بین‌المللی است. به موجب این اساسنامه، دادگاه صلاحیت محاکمه اشخاصی را دارا است که از ۳۰ نوامبر ۱۹۹۶ دارای بیش‌ترین مسؤولیت به خاطر ارتکاب نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی و حقوق سیرالئون در این کشور هستند. نکته مهم در رسیدگی‌های این دادگاه، عدم توجه به مصونیت سران است؛ زیرا شاهد محاکمه رهبران جبهه متحد انقلابی، شورای انقلابی نیروهای نظامی و نیروهای دفاع غیرنظامی و البته، چارلز تیلور، رئیس‌جمهور سابق لیبریا، هستیم (رنجبریان و ملک‌الکتاب خیابانی، ۱۳۸۹: ۱۲۳). در واقع، یکی از اولین موارد محاکمه روسای دولت به قضیه چارلز تیلور، رئیس‌جمهور سابق لیبریا، مربوط می‌شود که به عنوان اولین رئیس‌جمهور در رأس کار توسط دادگاه ویژه سیرالئون برای ارتکاب جرائم بین‌المللی مورد تعقیب قرار گرفت. دادگاه دفاعیه تیلور مبنی بر وجود مصونیت مطلق رئیس دولت را به صراحت نپذیرفت.

نکته مهم پیرامون دادگاه ویژه سیرالئون این است که در بند ۳ ماده ۲۰ اساسنامه دادگاه مقرر شده است که «قضات شعب تجدیدنظر دادگاه ویژه باید از تصمیمات شعب

متحد پس از جنگ سرد و دادگاه کیفری بین‌المللی، به ترتیب، به تضعیف ادعای دولت در این زمینه کمک کرده‌اند (کیلینگزورث، ۲۰۲۴: ۲). این اندیشه که دادگاه‌های موقت بین‌المللی و دادگاه‌های ترکیبی برای محاکمه سران کشورها برای جنایات جدی بین‌المللی مؤثرتر هستند، شروع ازین رفتن مصونیت سران بود؛ بدین نحو که در صورتی که دادگاه توسط شورای امنیت که بر اساس فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد عمل می‌کند، تأسیس شود، مصونیتی که هم برای سران دولت در حال خدمت و هم برای سران سابق دولت در نظر گرفته شده است، حذف می‌شود. همچنین، در صورتی که دادگاه با توافقی و بدون اختیارات شورای امنیت سازمان ملل متحد تأسیس شود، مصونیت عملکردی رئیس سابق دولت همچنان می‌تواند حذف شود؛ زمانی که اساسنامه دادگاه حاوی چنین بندی باشد (منرستورم، ۲۰۱۵: ۳).<sup>۴</sup>

هرچند مصونیت کیفری مقامات رسمی نزد محاکم بین‌المللی محل تردید نبوده و اسناد مؤسس و رویه این محاکم بر عدم مصونیت سران و مقامات دولت‌ها صحه می‌گذارند، اما استناد به مصونیت این مقامات نزد محاکم داخلی کشورها همواره محل بحث بوده است و لزوم محاکمه مرتکبین جنایات بین‌المللی، صرف‌نظر از مقام و جایگاه آنها و همچنین، لزوم اجرای عدالت کیفری و مبارزه با بی‌کیفرمانی در خصوص هم‌متهمان، بر مباحثات علمی در این خصوص افزوده است. محاکم داخلی برخی کشورها نیز ضمن پذیرش این استدلال‌ها، محاکمه مقامات رسمی سایر کشورها را شروع نموده‌اند و همین امر لزوم تبیین جنبه‌های مختلف موضوع را در پرتو تحولات نوین حقوق بین‌الملل آشکار می‌نماید. کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد نیز در راستای وظیفه خود در خصوص تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل، بر آن شد که موضوع مصونیت کیفری مقامات رسمی نزد محاکم داخلی کشورها را در دستور کار قرار دهد. تاکنون، شش ماده اولیه طرح به تصویب مقامات کمیسیون رسیده و ماده هفت نیز با عنوان استثنائات این نوع از مصونیت در حال بررسی است (مجبی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۵۵). در این راستا،

4- Mannerström

5- Special Court for Sierra Leone (SCSL)

6- Chernor Jalloh

1- Killingsworth

2- International ad hoc tribunals

3- Hybrid courts

مقابله با بی‌کیفرمانی شاهد تحول در آن هستیم، اما همچنان دولت‌ها از پذیرش آن امتناع می‌کنند.

اگرچه موضوع مصونیت پیرامون وزرای امور خارجه و دیپلماتها نیز وجود دارد، زیرا لازمه انجام وظایف و مأموریت‌های آنان است. در پرونده «حکم دستگیری»، دیوان بین‌المللی دادگستری اعلام کرد که وزرای خارجه مستحق «مصونیت شخصی» هستند و همچنین، اعلام کرد که ماهیت مطلق مصونیت از روند کیفری که برای وزیر امور خارجه اعطا شده است، حتی زمانی که ادعا شود وی مرتکب یک جرم بین‌المللی شده است، وجود دارد و حتی زمانی که وزیر امور خارجه برای یک سفر خصوصی در خارج از کشور است، اعمال می‌شود. دیوان عنوان می‌دارد که «این امر قابل استنباط است که... طبق حقوق بین‌الملل عرفی، هر گونه استثناء از قاعده وجود دارد؛ بر اساس مصونیت از صلاحیت کیفری و مصونیت از تعرض به وزرای امور خارجه فعلی، در مواردی که مظنون به ارتکاب جنایات جنگی یا جنایت علیه بشریت باشند، وجود دارد.» با این حال، موضوع مصونیت سران در کنار این تحولات و ایجاد دیوان کیفری بین‌المللی از منظر قواعد کیفری بین‌المللی دچار تحول شد، اما پذیرش آن توسط دولت‌ها خصوصاً دولت‌هایی که عضو اسانسنامه رم نیستند، امری چالش‌برانگیز است.

دیوان کیفری بین‌المللی نخستین دادگاه بین‌المللی کیفری دائمی است که اسانسنامه آن در سال ۱۹۹۸ در رم تصویب شد و مطابق ماده ۵، به چهار جرم نسل‌زدایی، جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت و تجاوز ارضی رسیدگی می‌کند. مطابق اسانسنامه، دیوان فقط اختیار رسیدگی به سه جرم اول را داشت؛ اما در اجلاس کامپالا در سال ۲۰۱۰، اقدام به تعریف جرم تجاوز ارضی نمودند که در ماده ۸ مکرر تعریف گردید. تأسیس دیوان بین‌المللی کیفری بزرگ‌ترین دستاورد حرکت جامعه بین‌الملل به سوی استقرار عدالت کیفری تلقی می‌شود. بی‌تردید، تحقق این مأموریت نمی‌تواند به تنهایی و بدون

تجدیدنظر دادگاه‌های بین‌المللی کیفری یوگسلاوی و رواندا رهنمود گیرند.» (باقری ایبانه، ۱۳۹۶: ۱۵۷).

اقدامات دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق نیز در این خصوص توانست موجب تحول در موضوع مصونیت سران گردد. اگرچه این امر سرآغاز پایان‌بخشیدن به اندیشه‌ای بود که امکان ارتکاب جنایات و در عین حال، عدم مجازات را برای سران دولت‌ها فراهم می‌کرد.

مخاصمات مسلحانه در قلمرو یوگسلاوی سابق علیه مسلمانان بوسنی، یکی از بزرگترین مخاصمات مسلحانه در اروپا پس از جنگ جهانی دوم می‌باشد که از سال ۱۹۹۱ آغاز شد. این اتفاق منجر به تشکیل دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق طی قطعنامه‌های ۸۰۸ و ۸۲۷ شورای امنیت سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۳ برای رسیدگی به موارد نقض شدید حقوق بین‌الملل بشردوستانه گردید. این دادگاه پیامدهای مهمی بر حقوق بین‌الملل کیفری داشته است (رضوانی، ۱۴۰۲: ۵). این دادگاه در پرونده میلوسویچ رئیس دولت در رأس کار یوگسلاوی سابق برای ارتکاب جرائم علیه بشریت و جنایات جنگی توسط دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق مورد پیگرد قرار گرفت (امامیان و عزیزی، ۱۳۹۷: ۸۲). این موارد سرآغازی بود برای توسعه این اندیشه که سران نمی‌توانند مرتکب جنایت شده و ورای مصونیت پناه گیرند. بر این اساس و با شکل‌گیری دیوان بین‌المللی کیفری، این امر رنگ جدی‌تری گرفت.

### ۳- تحول در قاعده مصونیت سران در اسانسنامه دیوان کیفری بین‌المللی

اصول و قواعد بین‌المللی به برخی از مقامات دولتی مصونیت‌هایی اعطا می‌کند که به مقام یا وضعیت یک مقام رسمی از جمله سران دولت‌ها مربوط می‌شوند. اگرچه خاستگاه مصونیت سران قواعد عرفی بین‌المللی است، اما این امر در اصول کلی حقوقی نیز قابل‌رویت است. با آنکه موضوع مصونیت سران امری چالش‌برانگیز بوده و به مرور و در پرتو

<sup>4</sup> - Ibid, para 58

<sup>5</sup> - ICC

<sup>1</sup> - Arrest Warrant

<sup>2</sup> - *ratione personae*

<sup>3</sup> - Arrest Warrant of 11 April 2000 (Democratic Republic of the Congo v. Belgium), ICJ Rep, Judgment of 14 February 2002, para 54-55

تحقیق در مرحله تحقیقات مقدماتی می‌باشد که این امر نیز ناشی از احترام به حقوق طرفین دعوی خصوصاً، متهمین می‌باشد. دادستان پس از اطلاع از ارتکاب جرائم مشمول صلاحیت دیوان بر اساس مکانیسم پیش‌بینی شده در اساسنامه و قواعد دادرسی و ادله «ضمن ارزیابی قضایای مزبور، مبادرت به انجام تحقیق و در صورت اقناع تعقیب مرتکبین می‌نماید. لیکن، اقدامات وی اعم از جمع‌آوری اطلاعات و ارزیابی آنها، احضار یا جلب متهمین یا استماع شهادت شهود و یا سایر ادله دیگر که در فرآیند رسیدگی لازم و ضروری می‌باشد، آزادانه نمی‌باشد؛ بلکه منوط به اخذ مجوز از شعبه مقدماتی می‌باشد (رضانی، ۱۳۹۹: ۲۵).

مهم‌ترین قضیه‌ای که در دیوان بین‌المللی کیفری در ارتباط با مصونیت سران دولت‌ها مطرح شده است، قضیه عمرالبشیر بوده که از چند جهت دارای اهمیت است: اولاً، نحوه اجرای تصمیم صادره دیوان ناظر بر استرداد یک متهم تحت تعقیب که کشور متبوع آن عضو اساسنامه دیوان نیست. ثانیاً، تعارض میان عدم مصونیت سران دولت‌ها با قاعده منع امکان استناد به مصونیت شخصی سران دولت‌ها. اهدافی که از این تحقیق دنبال می‌شوند: اولاً، بررسی اولویت موازین حقوق بشری و حقوق بشر دوستانه نسبت به قاعده مصونیت سران دولت‌ها و ثانیاً، با توجه به اینکه جنایات در دارفور در یک کشور اسلامی به نام سودان واقع شده است؛ فلذا، تعقیب عمرالبشیر در دیوان نمایانگر رویکرد جامعه بین‌المللی به یک کشور اسلامی نیز است (شیری و همکاران، ۱۴۰۱: ۳۲۵). اساسنامه رم مطابق ماده ۲۷ مصونیت سران دولت‌ها را رافع مسؤولیت کیفری آنها در خصوص جنایات تحت صلاحیت دیوان نمی‌داند. این امر پیرامون دولت‌های عضو اساسنامه کاملاً، صادق است؛ چه آنکه آنان با پذیرش عضویت در دیوان تلویحاً، از مصونیت سران دولت خود در صورت ارتکاب جنایات تحت صلاحیت دیوان اعراض کرده‌اند. مشکل جایی است که بر اساس ارجاع شورای امنیت و ضعیفیت یک کشور غیرعضو به دیوان ارجاع شود. در این صورت، برخی از اصول حقوق بین‌الملل مانند تحمیل تعهد به «دولت‌های ثالث» و قاعده‌ی عرفی «مصونیت سران دولت‌ها» در برابر «امکان رسیدگی به جنایات بین‌المللی» قرار می‌گیرند و این چالش را

همکاری با سایر نهادهای بین‌المللی صورت پذیرد (زمانی و یعقوبی، ۱۳۹۸: ۵).

رویکرد اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مبنای حقوق کیفری مدرن گردید که توانست میان مسؤولیت کیفری فرد و مسؤولیت بین‌المللی دولت‌ها تمایز قائل شود (نوروزی، ۱۳۹۵: ۲۸۵). مطابق ماده ۱۳ اساسنامه اعمال صلاحیت دیوان به سه صورت است: الف: یک دولت عضو و ضعیفیت را به دادستان ارجاع دهد، ب: شورای امنیت و ضعیفیت را به دادستان دیوان ارجاع دهد، پ: دادستان راساً تحقیقاتی را در مورد جرم شروع نماید. همچنین، اصول عمومی حقوقی پذیرفته شده در دیوان عبارتند از: الف: اصل قانونی بودن جرم و مجازات، ب: اصل عطف به ما سبق نشدن، پ- اصل مسؤولیت کیفری فردی، عدم صلاحیت نسبت به اشخاص کمتر از ۱۸ سال، ت: عدم مصونیت سران، ث- مسؤولیت فرماندهان، ج: عدم اجرای قاعده مرور زمان. همچنین، در ماده ۲۷ اساسنامه، موضوع عدم مصونیت سران دولت‌ها مورد تأکید قرار گرفته است و بر این اساس، دیوان کیفری بین‌المللی وضعیت‌هایی را برای بررسی در اختیار داشته است.

ارجاع وضعیت توسط دولت عضو یکی از شیوه‌های مندرج در ماده ۱۳ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری است. دولت عضو می‌تواند وضعیت که به نظر یک یا چند جنایت تحت صلاحیت دیوان ارتکاب یافته است را به دادستان ارجاع دهد. با وجود این، لازم به ذکر است که شروع به رسیدگی توسط دولت ذیربط از اولویت زیادی برخوردار می‌باشد و به همین جهت نیز تدوین‌کنندگان اساسنامه دیوان با درج صلاحیت تکمیلی در صدد ممانعت از بی‌کیفرماندن مرتکبان جنایات بین‌المللی برآمدند (بیگ زاده و رضانی قوام آبادی، ۱۴۰۰: ۸۷). البته، نکته مهم این است که در دیوان بین‌المللی کیفری، علاوه بر احراز صلاحیت و قابلیت پذیرش، مطابق ماده ۵۳ اساسنامه، تعقیب کیفری و تحقیق نباید برخلاف «منافع عدالت» باشد. اصل بر این است که تعقیب و تحقیق در جهت منافع عدالت است؛ مگر اینکه با توجه به شدت جنایت ارتکابی، منافع بزه‌دیدگان و وضعیت متهم خلاف آن ثابت شود (سلیمی، ۱۴۰۰: ۷۵). نکته حائز اهمیت دیگر در رسیدگی‌های دیوان، حذف مقام بازپرس به عنوان مرجع

کشور را به دست گرفت، از سوی ارتش مجبور به استعفاء و دستگیر شد.

مطالعه پرونده عمر البشیر از جنبه‌های مختلفی دارای اهمیت می‌باشد: نخست، اتهامات وارده و تلاش دیوان برای اثبات و دوم، اقدامات دیوان که بیانگر شکل‌گیری تحول در مفهوم مصونیت سران دولت‌ها می‌باشد (زمانی، ۱۳۸۷: ۱۳). در ۳۱ مارس ۲۰۰۵، پس از بحث‌های سیاسی فراوان، شورای امنیت قطعنامه ۱۵۹۳ را تحت فصل هفتم منشور سازمان ملل صادر کرد. این قطعنامه تعیین کرد که وضعیت سودان تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی است و وضعیت دارفور از ۱ ژوئیه ۲۰۰۲ به دادستان دیوان بین‌المللی کیفری ارجاع شد. این قطعنامه همچنین، دولت سودان و سایر طرف‌های درگیر را ملزم به همکاری کامل و ارائه هرگونه کمک لازم به دیوان کیفری بین‌المللی و دادستان دیوان بین‌المللی کیفری می‌کرد. کشورهایی که عضو اساسنامه رم نیستند، موظف به کمک به دیوان بین‌المللی کیفری نیستند؛ اما از آنها خواسته می‌شود که در هرگونه رسیدگی نیز همکاری کنند. این اولین ارجاع شورای امنیت بر اساس ماده ۱۳ (ب) اساسنامه رم است که به دیوان بین‌المللی کیفری می‌پردازد و با توجه به اینکه حداقل سه عضو دائم شورای امنیت عضو دیوان بین‌المللی کیفری نیستند، مهم است (نیدهام، ۲۰۱۱: ۲۲۲).<sup>۱</sup>

ادله ارائه شده از سوی دادستان نشان می‌دهد که عمر البشیر طرحی را برای نابودی بخش قابل توجهی از گروه‌ها به خاطر نژاد آنها برنامه‌ریزی، هدایت و اجرا نموده است. اعضای این سه گروه از لحاظ تاریخی، در دارفور دارای نفوذ و قدرت قابل توجهی بوده‌اند که توسط نیروهای مسلح دولت سودان و گروه نظامی جنجویت به حاشیه رانده شدند؛ بنابراین، این گروه‌ها دست به شورش زدند و عمر البشیر که قادر به مقابله با حرکت‌های نظامی نبود، متوسل به حملاتی علیه مردم غیرنظامی شد که انگیزه‌های وی عمدتاً سیاسی بوده است. توجه به عمر البشیر برای این حملات، مقابله با اقدامات شورشیان بود. به گفته دادستان، قصد وی نسل‌کشی بوده است. طی ۵ سال در دارفور، نیروهای مسلح و شبه‌نظامیان جنجویت به دستور عمر البشیر، روستاها را مورد حمله قرار

ایجاد می‌کنند که چگونه باید مقررات ماده ۲۷ اساسنامه را در خصوص چنین دولت‌هایی اعمال کرد؟ البته، دیوان در این زمینه در اساسنامه با ماده‌ای دیگر (بند ۱ ماده‌ی ۹۸) روبه‌روست که صریحاً، جلب رضایت دولت برای محاکمه رئیس آن دولت را مقرر می‌کند. واقعیت آن است که ماده ۲۷ را باید در پرتو سایر مقررات حقوق بین‌الملل بررسی کرد، به نحوی که در نتیجه‌ی این تطبیق می‌توان گفت که دیوان نمی‌تواند به جنایات رؤسای دولت‌های غیرعضو حتی با ارجاع شورای امنیت رسیدگی کند؛ مگر آنکه بند ۱ ماده‌ی ۹۸ را اعمال کند (عبدالمالکی و هم‌کاران، ۱۳۹۸: ۱۳۰۹). در خصوص ارتباط و یا تأثیر قواعد آمره بر مصونیت دولت‌ها، دیدگاه وجود دارد: گروهی به برتری قواعد آمره بر قواعد عادی حقوق بین‌الملل، از جمله مصونیت دولت‌ها اعتقاد دارند. به باور آنها، لزوم رعایت قاعده آمره مانع اعطای مصونیت در محاکم ملی می‌گردد و دسته‌ای دیگر از حقوق‌دانان رعایت مصونیت دولت‌ها را حتی در موارد نقض قواعد آمره لازم می‌دانند. این دسته از حقوق‌دانان معتقدند که قواعد آمره ناظر به تنظیم رفتار ماهوی و قاعده مصونیت دولت‌ها به تنظیم قواعد شکلی مرتبط است. به عبارت دیگر، حامیان این رهیافت بر این باورند که میان قواعد آمره و قاعده مصونیت دولت‌ها تعارضی وجود ندارد؛ زیرا قاعده مصونیت دولت‌ها به حوزه اجرای قواعد ماهوی مربوط می‌شود و به محتوای قواعد آمره نمی‌پردازد و به آن ارتباطی ندارد. دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی مصونیت صلاحیتی ۲۰۱۲ از رهیافت اخیر حمایت کرده است (عزیزی، ۱۳۹۲: ۱۴۷).

#### ۴. بررسی پرونده عمر البشیر در دیوان کیفری بین‌المللی

در شروع بحث، بدواً به توصیف شرایط عمر البشیر می‌پردازیم که نام کامل او عمر حسن احمد البشیر و رئیس‌جمهور سابق سودان است. او تا تاریخ ۱۱ آوریل ۲۰۱۹ همچنان رئیس‌جمهور سودان و رئیس حزب کنگره سودان بود. شیوه به قدرت رسیدن او همراه با یک کودتای نظامی در سال ۱۹۸۹ علیه صادق المهدی، نخست‌وزیر منتخب، بود. عمر البشیر در تاریخ ۱۱ آوریل ۲۰۱۹، پس از آن که ارتش کنترل

<sup>2</sup> Fur, Masalit & Zaghawa

<sup>1</sup> Needham

یکی از چالش‌برانگیزترین اقدامات دولت‌ها در برابر بازداشت و تحویل عمر البشیر را باید در رأی دیوان پس از عدم تحویل وی توسط کشور مالاوی جستجو نمود. در سال ۲۰۱۱، علی‌رغم سفر عمر البشیر به مالاوی و با توجه به اینکه این کشور جزء امضاءکنندگان اساسنامه رم می‌باشد، با این حال از بازداشت و تحویل وی خودداری کرد. شعبه اول مقدماتی در رأی خود با بیان قصور مالاوی در همکاری با دیوان در اجرای قرار بازداشت، عنوان نمود که سران دولت‌ها نزد دیوان کیفری بین‌المللی هیچ مصونیتی ندارند و با ارتکاب جنایت بین‌المللی، مصونیت سران دولت‌های خارجی از بین می‌رود. شعبه دوم مقدماتی نیز در استدلالی دیگر عنوان نمود که شورای امنیت بر اساس فصل هفتم منشور، مصونیت عمر البشیر را سلب کرده است و قسمت اخیر شرط مندرج در بند ۱ ماده ۹۸ اساسنامه به این ترتیب، محقق گردیده است.

در این راستا، موضع اتحادیه آفریقایی نیز بسیار بحث‌برانگیز است. این اتحادیه در سال ۲۰۱۲ عنوان می‌دارد که اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به دنبال حذف مصونیت مقامات دولت‌های غیر عضو اساسنامه که حقوق بین‌الملل به آنها اعطاء کرده، نبوده است و شورای امنیت نیز با ارجاع وضعیت دارفور به دیوان به دنبال این نبوده که مقررات اساسنامه اعمال نگردد. با این استدلال، اتحادیه از کشورهای آفریقایی می‌خواهد تا با دیوان در اجرای قرار بازداشت همکاری نکنند. در ۱۳ ژوئن ۲۰۱۵، دادگاه کیفری بین‌المللی به آفریقای جنوبی در مورد و ظایفش بر مبنای اساسنامه رم برای دستگیری و تسلیم فوری رئیس‌جمهور سودان، عمر البشیر، در جریان سفر به آفریقای جنوبی یادآور شد. تصمیم دیوان بین‌المللی کیفری روز بعد با تصمیم بخش گاوئنگ دادگاه عالی آفریقای جنوبی اجرا شد که از دولت آفریقای جنوبی خواست تا تمام اقدامات لازم را برای آماده‌سازی برای

دادند و تخریب نمودند. آن‌ها افرادی را که به کمپ‌ها مردم بی‌خانمان پناه برده بودند نیز مورد هدف حملات خود قرار دادند. رئیس‌جمهور سودان مانع از ارائه کمک‌های بشردوستانه بین‌المللی شد و نیروهای وی کمپ‌ها را محاصر کردند. به دنبال ارجاع وضعیت دارفور سودان از سوی شورای امنیت به موجب قطعنامه صادره بر مبنای بند ب ماده ۱۳ اساسنامه رم، شاهد صدور قرار بازداشت علیه رئیس‌جمهور سودان به اتهام‌هایی که در ادامه بیان می‌گردد، هستیم که منجر به صدور حکم بازداشت در ۴ مارس ۲۰۰۹ و ۱۲ ژوئیه ۲۰۱۰ گردید.

اتهامات شامل موارد زیر است:

الف- پنج مورد جنایت علیه بشریت: قتل، انتقال اجباری، شکنجه و تجاوز جنسی.

ب- دو مورد جنایات جنگی: هدایت عمدی حملات علیه یک جمعیت غیرنظامی یا علیه غیرنظامیانی که در خصومت‌ها شرکت نمی‌کنند و غارت.

پ- سه مورد نسل‌کشی: با کشتن، ایجاد آسیب‌های جدی جسمی یا روحی و تحمیل عمدی شرایط زندگی برای هر گروه هدف که برای نابودی فیزیکی این گروه در نظر گرفته شده است که بین سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۸ در دارفور سودان انجام شده است. در پی صدور قرار بازداشت، شعبه مقدماتی به دبیرخانه دیوان کیفری بین‌المللی درخواستی را مبنی بر بازداشت و تحویل عمر البشیر از طریق دولت‌های عضو ابلاغ نمود. نکته مهم این است که پس از صدور قرار بازداشت، عمر البشیر به کشورهای زیادی سفر کرد، اما هیچکدام نسبت به بازداشت او اقدام نکردند؛ تا جایی که دادستان دیوان در پی عدم همکاری دولت‌ها و بی‌توجهی شورای امنیت، تصمیم گرفت که تحقیقات را در سال ۲۰۱۴ متوقف کند.

قطعنامه ۱۵۹۳ شورای امنیت سازمان ملل (۲۰۰۵) کنار گذاشته شده بود که وضعیت دارفور را به دادستان دیوان بین‌المللی کیفری ارجاع داد.

<sup>5</sup>- The Prosecutor v. Omar Hassan Ahmad Al Bashir./ ICC Rep/02/05-01/09, 2014

<sup>6</sup>- January 2012 Decision no. Assembly/AU/Dec. 397 (XVIII)

<sup>7</sup>- Gauteng Division

<sup>1</sup>- SC/ Resolution / 1593

<sup>2</sup>- <https://www.icc-cpi.int/darfur/albahir>

<sup>3</sup>- ICC/ 02/05-01/09, 2011: Corrigendum to the Decision Pursuant to Article 87(7) of the Rome Statute on the Failure by the Republic of Malawi to Comply with the Cooperation Requests Issued by the Court with Respect to the Arrest and Surrender of Omar Hassan Ahmad Al Bashir

<sup>4</sup>- در صدور تصمیم خود، شعبه مقدماتی دیوان بین‌المللی کیفری این موضع را داشت که مصونیت‌های عمر البشیر به‌عنوان رئیس دولت مستقر عملاً، با

۱۰ فرآیند اجرایی اساسنامه رم منطبق بر ماده ۲۷ دادگاه کیفری بین‌المللی ۲۰۰۲ و غیرقانونی است و مطابقت ندارد. دولت آفریقای جنوبی به این استدلال ادامه داد که در اولویت‌قراردادن مصونیت‌های عمر البشیر بر تعهدات دیوان کیفری بین‌المللی، قانونی عمل کرده است؛<sup>۵</sup> این کار را در جریان رسیدگی شعبه مقدماتی دیوان بین‌المللی کیفری طبق بند ۷ ماده ۸۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری انجام داد. شعبه مقدماتی استدلال آفریقای جنوبی را رد کرد و دریافت که آفریقای جنوبی موظف است به درخواست دادگاه برای دستگیری و تسلیم عمر البشیر عمل کند. با این حال، این روند در حال تغییر است و دیوان بین‌المللی دادگستری نیز به رویکرد پیوسته است؛ درحالی که حقوق بین‌الملل معاصر با شکل‌گیری قاعده عرفی لغو مصونیت مقامات عالی‌رتبه در صورت ارتکاب جنایات بین‌المللی، تلاش می‌کند تا تعادلی میان حمایت از توانایی دولت در انجام وظایف خود و حمایت از حقوق بشر ایجاد نماید. دیوان بین‌المللی دادگستری که با دیدگاه کلاسیک و محتاطانه خود، به ویژه در رأی صادره در قضیه یروودیا، مانعی بر سر راه پیشرفت این حرکت ایجاد کرده بود، این بار در تصمیمی قاطعانه در قضیه حیسن هابره در جولای ۲۰۱۴، با ملزم ساختن سنگال بر محاکمه بدون تأخیر رئیس دولت سابق چاد، امکان تعقیب کیفری سران را برای دادگاه‌های ملی نیز در نظر گرفته و ابعاد جدید و مهمی را در رابطه با تأیید و توسعه این قاعده عرفی آشکار نموده است. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد با روند ایجاد یک «دادگاه ویژه» در راستای محاکمه حیسن هابره، تعقیب و محاکمه جنایات

دستگیری و بازداشت انجام دهد.<sup>۱</sup> دادگاه عالی همچنین، به دولت آفریقای جنوبی دستور داد تا تمام اقدامات لازم را برای جلوگیری از خروج عمر البشیر انجام دهد و به همین منظور، به دولت اعلام نمود تا این دستور را به مقامات مسؤوّل در هر نقطه ورودی و خروجی از آفریقای جنوبی ابلاغ کند (متتراوکس و همکاران، ۲۰۱۸: ۵۷۹). همانطور که اکنون به خوبی می‌دانیم، دولت آفریقای جنوبی از این دستورات پیروی نکرد و حتی خروج عمر البشیر از آفریقای جنوبی را تسهیل کرد.

در جریان دادرسی‌های داخلی برای ارزیابی قانونی بودن رفتار خود، دولت آفریقای جنوبی، این استدلال مطرح شد که این دولت در یک تعهد قانونی متشکل از دو تعهد متضاد بین‌المللی گرفتار شده است: اول، تعهد خود به شناسایی مصونیت‌های عمر البشیر به عنوان رئیس دولت و همچنین، پایبندی به توافق خود با اتحادیه آفریقا پیرامون مصونیت از دستگیری و بازداشت که باید برای همه شرکت‌کنندگان در اجلاس اتحادیه آفریقا فراهم کند و دوم، تعهد آن به دستگیری و تسلیم عمر البشیر بر اساس تصمیم دیوان بین‌المللی کیفری در ۱۳ ژوئن ۲۰۱۵. استدلال‌های دولت هم تو سبب دادگاه عالی و هم دادگاه عالی استیناف رد شد. در حالی که استدلال آنها کاملاً با هم سازگار نیست، اما هر دو دادگاه این نظر را داشتند که عمل دولت در زمانی که رئیس‌جمهور عمر البشیر را دستگیر نکرد، غیرقانونی بوده است؛ با این که دادگاه عالی استیناف دریافت است که این نقض، با تعهدات آفریقای جنوبی از نظر اساسنامه رم و بخش

<sup>5</sup>- Supreme Court of Appeal ('SCA')

<sup>6</sup>- See Minister of Justice and Constitutional Development and Others v. The Southern Africa Litigation Centre and Others, (Case No. 867/15), Supreme Court of Appeal of South Africa, 15 March 2016, ZASCA (2016) 17 ('SCA Judgment').

<sup>7</sup>- Prosecutor v. Omar Hassan Ahmad Al Bashir, 17 March 2017, ICC, State Representatives, Submission from the Government of the Republic of South Africa for the purposes of proceedings under Article 87(7) of the ICC Statute, ICC-02/05-01/09-290, www.icc-cpi.int/CourtRecords/CR2017\_01350.PDF, accessed 25 April 2018 ('Bashir Decision of 17 March 2017').

<sup>8</sup>- Prosecutor v. Omar Hassan Ahmad Al Bashir, 12 March 2018, ICC, Appeals Chamber, The Hashemite Kingdom of Jordan's appeal against the 'Decision under article 87(7) of the Rome Statute on the non-compliance by Jordan with the request by the Court for the arrest and surrender of [f] Omar Al-Bashir', ICC-02/05-01/09-326, www.icc-cpi.int/CourtRecords/CR2018\_01658.PDF, accessed 25 April 2018.

<sup>۱</sup>- گاو تنگ کوچک‌ترین استان از ۹ استان آفریقای جنوبی است.

<sup>2</sup>- Mettraux et al

<sup>3</sup>- Under Article VIII of the 'Agreement between the Republic of South Africa and the Commission of the African Union on the Material and Technical Organization of the Meetings of the 30th Ordinary Session of the Permanent Representatives Committee from 7 to 9 June 2015 27th Ordinary Session of the Executive Council from 10 to 12 June 2015 and the 25th Ordinary Session of the Assembly on 14 to 15 June 2015 in Pretoria (7 and 9 June 2015) and Johannesburg (10 to 15 June 2015), Republic of South Africa' (on file with the author), privileges and immunities were provided for the duration of the meeting to the members of the AU Commission and staff members including, as submitted by the SA Government, the delegates and other representatives of inter-governmental organizations attending the meetings. The immunities in question included immunity from arrest and detention.

<sup>4</sup>- High Court

### بحث و نتیجه‌گیری

به طور سنتی، حقوق بین‌الملل به سران کشورها در قبال تمامی اعمال تجاری و جنایی مصونیت مطلق اعطاء می‌کرد. با گذشت زمان، حقوق بین‌الملل تعدادی استثناء برای موضع مطلقه ایجاد کرده است. یکی از این استثناءها که اکنون بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی را تشکیل می‌دهد، این است که مصونیت‌ها از جمله مصونیت‌های سران کشورها به عنوان یک مانع دفاعی یا قضایی برای اتهامات مربوط به اتهامات جنایات بین‌المللی دیگر مورد پذیرش نیست. این استثناء همزمان با این ایده که افراد، صرف‌نظر از رتبه یا مقام، می‌توانند به لحاظ کیفری در قبال اعمالی که برخلاف قوانین بین‌المللی مرتکب شده‌اند، مسؤول شناخته شوند، رشد کرد. این روند بلافاصله پس از جنگ جهانی اول آغاز شد و در پایان جنگ جهانی دوم به طور کامل، حل و فصل شد؛ زمانی که یک دیدگاه نهادینه شده بود که بر اساس آن، مصونیت‌ها نمی‌توانستند به عنوان دفاع یا مانعی صلاحیتی برای اتهامات مربوط به جنایات بین‌المللی عمل کنند. البته، تاریخ سراسر بیانگر همدستی سران دولت‌ها در تجاوز، نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی است. اگرچه دیوان بین‌المللی دادگستری با رویکرد حاکمیت‌محور از مصونیت سران حمایت می‌نماید، اما با این حال، این فرآیند با شکل‌گیری دیوان کیفری بین‌المللی تغییر یافت. تا پیش از تصویب کنوانسیون‌های ژنو، ضمانت اجرای نقض‌های حقوق بشر دو ستانه اقدام متقابل بود؛ اما با تصویب کنوانسیون‌های ژنو، ضمانت اجرای عدم رعایت این قواعد در قالب «نقض‌های فاحش» جرم‌انگاری شد و بنا گردید چنانچه شخصی مرتکب نقض فاحش شود، در یک محکمه کیفری بین‌المللی محاکمه شود. مصونیت سران دولت‌ها در برابر صلاحیت محاکم کیفری خارجی بر دو مبنای ضرورت کارکردی و تئوری ویژگی نمایندگی استوار است. توجه به اصلی چنین مصونیت‌هایی این است که این مصونیت‌ها از اجرای روان روابط بین‌الملل اطمینان حاصل می‌کنند و به این ترتیب، به مقامات دولتی که نماینده دولت در سطح بین‌المللی هستند، اعطاء می‌شود. عدم مصونیت سران دولت‌ها در اسانامه و آراء صادره از دادگاه‌های نورمبرگ، توکیو و دادگاه‌های کیفری

بین‌المللی صرف‌نظر از مقام و سمت مرتکب آن مورد تأیید جامعه بین‌المللی قرار گرفته است (بهمن تاجانی، میرفلاح نصیری، ۱۳۹۴: ۳۷). از زمان قیام مردمی، عمر البشیر در خارطوم به علت ارتکاب جنایات مستند به قوانین سودان، از جمله فساد و کودتای نظامی ۱۹۸۹، در بازداشت به سر می‌برد. وی در ماه دسامبر سال ۲۰۱۹، به جرم فساد محکوم شد و اکنون به دلیل جنایات مربوط به کودتای نظامی که در سال ۱۹۸۹ رخ داد و باعث شد قدرت را به دست بیاورد، در حال محاکمه است. محاکمه البشیر در جولای سال ۲۰۲۰ همراه با رسیدگی توامان به پرونده ۲۷ مقام دیگر سابق آغاز شد. اتهامات آنها شامل موارد مربوط به قتل تظاهرکنندگان در زمان اعتراضات در دسامبر ۲۰۱۸ است. اثبات وقوع جنایت و در نتیجه، محکومیت به برخی از این جرائم می‌تواند منجر به مجازات اعدام مجرمین گردد. با این حال، در روند محاکمه تاکنون اطلاع دادرسی وجود داشته و موجب به‌تعویق‌انداختن محاکمه تا چند روز آینده، یعنی ۱۰ اگوست ۲۰۲۱، گردیده است. بدیهی است که موارد و اتهامات مطرح شده علیه عمر البشیر یا سایر افراد دولت وی مربوط به جنایات بین‌المللی در دارفور نیست. قوانین سودان تا چند سال پس از جنایات سال ۲۰۰۲ در دارفور شامل این گونه جنایات بین‌المللی نمی‌شد و پیگرد آنها در این شرایط داخلی، دشوار می‌باشد. لذا، اگرچه رویه قضایی به سمت تغییر در ماهیت مصونیت سران پیش می‌رود، اما رویکرد دولت‌ها مبتنی بر عرف بین‌المللی و آمیخته با سیاست بوده و در حمایت از این تحول، مواضع متفاوتی دارند. البته، رویکرد محاکم کیفری بین‌المللی در این قضیه یکسان بوده و تلاش برای محاکمه سران در حال حاضر، محصول دیوان کیفری بین‌المللی نبوده و اقدامات این نهاد در تداوم محاکم پیشین خود بوده است؛ اما همچنین، وجود تضاد میان رویکرد محاکم کیفری و غیرکیفری مانند دیوان بین‌المللی دادگستری حائز اهمیت است که به نظر می‌رسد این رویکرد در حال یکسان‌سازی می‌باشد.

**ملاحظات اخلاقی:** موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

**تعارض منافع:** تدوین این مقاله فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

**سهام نویسندگان:** نگارش مقاله به صورت مشترک توسط نویسندگان انجام گرفته است.

**تشکر و قدردانی:** از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

**تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

#### منابع و مأخذ

- امامیان، معصومه؛ عزیزی، ستار. (۱۳۹۷). چالش حقوقی اجرای قاعده عدم مصونیت سران دولت‌ها نزد دیوان کیفری بین‌المللی: با تأکید بر پرونده عمرالبشیر. *پژوهش‌نامه حقوق کیفری*، ۹ (۲)، ۱۰۲-۸۱.

[https://jol.guilan.ac.ir/article\\_3137.html](https://jol.guilan.ac.ir/article_3137.html)

- باقری ایبانه، علیرضا. (۱۳۹۶). انسجام حقوقی در حقوق کیفری بین‌المللی (با توجه به کثرت در منشأ و ارگان‌های اجرایی-قضایی). *پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی*، ۵ (۹)، ۱۶۷-۱۴۵.

[https://jcl.ac.ir/article\\_49830.html](https://jcl.ac.ir/article_49830.html)

- بهمن تاجانی، شهرام؛ میرفلاح نصیری، سیده ندا. (۱۳۹۴). مبانی و آثار تغییر رویکرد دیوان بین‌المللی دادگستری در الغای مصونیت کیفری سران دولت‌ها در قضیه حیسن هابره (رئیس‌جمهور سابق چاد). *پژوهش‌نامه حقوق کیفری*، ۶ (۱)، ۶۴-۳۷.

[https://jol.guilan.ac.ir/article\\_1193.html](https://jol.guilan.ac.ir/article_1193.html)

- بیگ زاده، ابراهیم؛ رضانی قوام آبادی، محمد حسین. (۱۴۰۰). ارجاع وضعیت به دیوان بین‌المللی کیفری از سوی دولت. *تحقیقات حقوقی*، ۲۴ (۹۳)، ۸۷-۱۱۸.

یوگسلاوی سابق و رواندا و در نهایت، دیوان کیفری بین‌المللی انعکاس یافته است. منشاء عدم مصونیت سران دولت‌ها از منظر حقوق بین‌الملل کیفری، ارتکاب آنان به یکی از جرائم مهم بین‌المللی است که دارای ویژگی خطرناک بودن و جدی بودن هستند و در اسناد بین‌المللی به وخیم‌ترین جرائم یاد شده‌اند. اگرچه جرم‌انگاری بین‌المللی سال‌ها طول کشید تا نهادینه شود، اما همچنان قاعده مصونیت سران در برابر محاکمه سران دولت‌ها که مرتکب جرائم بین‌المللی شوند، مقاومت نمود. شاید مهم‌ترین زمان برای این تحول را بتوان در شکل‌گیری کنوانسیون‌های ژنو دانست که حقوق بشر در ستانه را به سمت حقوق کیفری بین‌المللی سوق داد. همچنین، محاکمات دادگاه کیفری سیرالئون و دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق سرآغازی بود برای توسعه این اندیشه که سران نمی‌توانند مرتکب جنایت شده و ورای مصونیت پناه گیرند. بر این اساس و با شکل‌گیری دیوان بین‌المللی کیفری، این امر رنگ جدی‌تری گرفت. با این حال، هنوز عرف بین‌المللی حاکم بر دولت‌ها شرایط اجرای آن را با مشکل مواجه نموده است؛ زیرا هنوز ورای اندیشه حاکمان حمایت از سران دولت‌ها وجود دارد و لذا، همکاری با دیوان کیفری بین‌المللی برای تعقیب کیفری سران دولت‌ها نیاز به زمان دارد. یکی از این موارد که با چالش فراوان همراه بود، محاکمه عمرالبشیر است که نشان داد هنوز اندیشه حاکمیت‌محور ظرفیت این تحول را ندارد. لذا، اگر چه رویه قضایی به سمت تغییر در ماهیت مصونیت سران پیش می‌رود، اما رویکرد دولت‌ها مبتنی بر عرف بین‌المللی و آمیخته با سیاست بوده و در حمایت از این تحول، مواضع متفاوتی دارند. البته، رویکرد محاکم کیفری بین‌المللی در این قضیه یک‌سان بوده و تلاش برای محاکمه سران در حال حاضر، محصول دیوان کیفری بین‌المللی نبوده و اقدامات این نهاد در تداوم محاکم پیشین خود بوده است؛ اما همچنین، وجود تضاد میان رویکرد محاکم کیفری و غیرکیفری مانند دیوان بین‌المللی دادگستری حائز اهمیت است که به نظر می‌رسد این رویکرد در حال یکسان‌سازی می‌باشد.

ماده‌ی ۲۷ اساسنامه‌ی دیوان کیفری بین‌المللی در پرتو قضیه‌ی سودان. *مطالعات حقوق عمومی*، ۴۹ (۴)، ۱۳۲۷ - ۱۳۰۹.

<https://ensani.ir/fa/article/409563>

- عزیززی، ستار. (۱۳۹۲). تعامل مصونیت دولت‌ها و قواعد آمره در پرتو رأی مصونیت صلاحیتی ۲۰۱۲. *مطالعات حقوق خصوصی*، ۴۳ (۳)، ۱۶۶ - ۱۴۷.

[https://jilq.ut.ac.ir/article\\_36047.html](https://jilq.ut.ac.ir/article_36047.html)

- کچوئیان، جواد. (۱۳۸۸). تحول مفهوم مصونیت سران دولت‌ها در حقوق بین‌الملل کیفری. *فصلنامه سیاست خارجی*، ۲۳ (۴)، ۱۱۶۴ - ۱۱۳۷.

[http://fp.ipisjournals.ir/article\\_9668.html](http://fp.ipisjournals.ir/article_9668.html)

- محبی، محسن؛ سیداشرفی، میرمصطفی؛ نیاورانی، صابر؛ هنجانی، سید علی. (۱۳۹۹). مصونیت کیفری مقامات رسمی نزد محاکم خارجی در طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل. *دیدگاه‌های حقوق قضایی*، ۲۵ (۸۹)، ۲۷۴ - ۲۵۱.

<https://jlvviews2.ujsas.ac.ir/article-1-1444-fa.html>

- من صوری دهبید، عبدالرضا؛ عطا شنه، منصور؛ رم ضانی، احمد. (۱۳۹۹). نظارت قضایی بر تعقیب و تحقیق در دیوان کیفری بین‌المللی (ICC). *تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل*، ۱۳ (۴۷)، ۴۳ - ۶۵.

<https://sanad.iau.ir/fa/Article/1058317?FullText=FullText>

- نوروزی، میثم. (۱۳۹۵). ماهیت شخصی مسؤولیت کیفری فردی و اساسنامه ICC. *حقوق ملل*، ۲۲ (۲)، ۲۹۸ - ۲۸۵.

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1817850/>

### منابع انگلیسی

-Akande, D. (2004). International Law Immunities and the International Criminal Court. *American Journal of International Law*, 98(3), 407-433.

<https://doi.org/10.2307/3181639>

[https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article\\_87628.html?lang=fa](https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article_87628.html?lang=fa)

- رضوانی، خدیجه. (۱۴۰۲). اهداف تشکیل دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق (ICTY). *گفتمان حقوقی*، ۱۲ (۲۳)، ۱۵ - ۵.

[https://ild.journals.miu.ac.ir/article\\_8606.html](https://ild.journals.miu.ac.ir/article_8606.html)

- رنجبریان، امیر حسین؛ ملک الکتاب خیابانی، مهدیه. (۱۳۸۹). دادگاه ویژه سیرالئون: فرایند تشکیل، صلاحیت و مقابله با بی‌کیفرمانی. *مجله حقوقی بین‌المللی*، ۲۷ (۴۳)، ۱۶۷ - ۱۲۳.

[https://www.cilamag.ir/article\\_17220.html](https://www.cilamag.ir/article_17220.html)

- زمانی، سید قاسم. (۱۳۸۷). دیوان کیفری بین‌المللی و صدور قرار جلب «عمرالبشیر». *پژوهش‌های حقوقی*، ۷ (۱۴)، ۴۷ - ۱۳.

<https://ensani.ir/fa/article/506838/>

- زمانی، سید قاسم؛ یعقوبی، اسماعیل. (۱۳۹۸). اتحادیه اروپایی و دیوان بین‌المللی کیفری: همکاری و حمایت نهادین، پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۷ (۱۳)، ۳۱ - ۵.

[https://jclcd.sdil.ac.ir/article\\_91629.html](https://jclcd.sdil.ac.ir/article_91629.html)

- سلیمی، صادق. (۱۴۰۰). مفهوم و مرجع احراز «منافع عدالت» در دیوان بین‌المللی کیفری در پرتو وضعیت افغانستان. *پژوهشنامه حقوق کیفری*، ۱۲ (۲۳)، ۷۵ - ۹۸.

[https://jol.guilan.ac.ir/article\\_4887.html](https://jol.guilan.ac.ir/article_4887.html)

- شیرینی، مرتضی؛ رستم زاده، حسین؛ سلیمی، صادق. (۱۴۰۱). موازنه نقض حقوق بشری و حقوق بشردوستانه با مصونیت سران دولت‌ها با تأکید بر پرونده عمرالبشیر در دیوان بین‌المللی کیفری. *فقه جزای تطبیقی*، ۲ (۵)، ۳۳۴ - ۳۲۵.

[https://www.jccj.ir/article\\_182194.html](https://www.jccj.ir/article_182194.html)

- صور اسرافیل، محمود. (۱۳۷۹). التباس معنای مزایا و مصونیت‌ها در حقوق بین‌الملل، تاملی بر تعاریف و مفاهیم، *حقوقی بین‌المللی*، ۱۸ (۲۵)، ۲۷۴ - ۲۵۵.

[https://www.cilamag.ir/article\\_18108.html](https://www.cilamag.ir/article_18108.html)

- عبدالمالکی، مهدی؛ راعی دهقی، مسعود؛ محمودی، امیر؛ آرش پور، علیرضا. (۱۳۹۸). قاعده عرفی مصونیت سران دولت‌ها: ارزیابی

[https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract\\_id=2326370](https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=2326370)

-Osuji, C. E. (2024). No Immunity for Heads of State for International Crimes, *Lawfare*.

<https://www.lawfaremedia.org/article/no-immunity-for-heads-of-state-for-international-crimes>

- Zabyelina, Y. (2023). *The Immunities of Public Officials under International Law*. Publisher: Cambridge University Press.

-Chernor Jalloh, Charles. (2014). *The Sierra Leone Special Court and its Legacy: The Impact for Africa and International Criminal Law*. Cambridge University Press.

- Dapo, A., & Sangeeta, S. (2017). Immunities of state officials, international crimes, and foreign domestic courts. In *Challenges in International Human Rights Law* (pp. 249-286). Routledge.

<https://www.taylorfrancis.com/chapters/edit/10.4324/9781315095905-9>

-Killingsworth, M. (2024). Head of state immunity, order, justice and the international criminal court: limits of international criminal justice in international society. *International Politics*, 1-21.

<https://link.springer.com/article/10.1057/s41311-024-00628-y>.

-Mannerström, M. (2015). *Head of State Immunity and International Crimes*. lund university.

- Mégret, Frédéric. (2023). Immunities of Foreign Officials for International Crimes: The Dilemmas of Strategic Litigation. *Journal of Human Rights Practice*, 15(1), 66 – 83.

<https://academic.oup.com/jhrp/articleabstract/15/1/66/7021950?redirectedFrom=fulltext>

- Mettraux, G., Dugard, J., & Du Plessis, M. (2018). Heads of State Immunities, International Crimes and President Bashir's Visit to South Africa. *International criminal law review*, 18(4), 577-622.

[https://brill.com/view/journals/icla/18/4/article-p577\\_577.xml](https://brill.com/view/journals/icla/18/4/article-p577_577.xml)

-Needham, Jessica. (2011). Protection or Prosecution for Omar Al Bashir? The Changing State of Immunity in International Criminal Law. *Auckland University Law Review*, (17), 219-248.

<https://www.nzlii.org/nz/journals/AukULRev/2011/10.html>

- Nkusi, F. (2013). Immunity of State Officials before the International Criminal Court (ICC): The Indictment of President Al-Bashir. *Arizona Journal of International and Comparative Law*, 1(1), 1-18.